

تأثیر تعاونی‌های تبدیلی تلفیقی بر اقتصاد روستا

مطالعه موردی تعاونی‌های نیشکر در ایالت ماهاراشترا -

نوشته: تایمینی

ترجمه: محمود زارع زاده

(هندوستان)

می‌باشد. متوسط اندازه زمین زراعی به ازاء هر کشاورز در این ایالت ۱/۴ هکتار می‌باشد که این مقدار از متوسط کشور کمتر است. پایین بودن تولید و همچنین پایین بودن مقدار محصولات زراعی و نیز موجود نبودن سیستم‌های تولید کننده ارزش افزوده تماماً موجباتی را فراهم نموده است که درآمد زارعین پایین باشد و از این جهت در سال ۷۸ - ۱۹۷۷ حدود ۵۸/۶۲ درصد از جمعیت مناطق روستایی این ایالت در مقابل ۵۲/۸۲ درصد کل کشور زیر خط زندگی می‌کردند. همچنین به دلیل فقر موجود و عدم وجود کارخانجات تبدیلی و عدم حمایت از بازاریابی محصولات کشاورزی، اولین کوششها به منظور سازمان دادن یک تعاونی صنایع تبدیلی حدود سی سال پیش در یک روستای کوچک به نام «پراواراناکار» برای کشاورزان این روستا در ناحیه غربی ایالت ماهاراشترا به عمل آمد.

آغاز کننده این حرکت یکی از رهبران محلی بود چرا که کشاورزان در مورد تعاونی‌های اعتباری که بالغ بر سی سال تجربه داشتند و محسنات آنها را در برآورده ساختن نیازهای اعتباری خود در مقابل ربا خواران را دیده بودند - به ندای رهبری محلی برای سازمان دادن یک

که به شکرانه تجربه این افراد در تعاونی‌ها طبقه جدیدی از کار آفرینان اقتصادی در مناطق روستایی ظهور نمودند که در حال حاضر برتری‌های سیاسی و اقتصادی را دارا می‌باشند.

نیم‌نگاهی به ایالت ماهاراشترا

ماهاراشترا یکی از بزرگترین ایالت‌های هندوستان می‌باشد. این ایالت سومین ایالت هند به لحاظ وسعت و جمعیت است. درجه صنعتی شدن در این ایالت از معدل صنعت در کل کشور بالاتر است. این ایالت دارای اراضی وسیع زراعی است و تقریباً زندگی مردم از طریق کشاورزی تأمین می‌شود ولی بهره‌برداری از اراضی با وجود استفاده از ۱۱٪ اراضی در کشت غلات و ۳۴٪ کشت پنبه در سطح پایینی است با این حال تولید غلات ۸٪ و تولید پنبه آن ۱۹٪ از مجموع تولید این دو محصول رادر کشور تشکیل می‌دهد.

پایین بودن بهره‌وری از اراضی را می‌توان عمدتاً به پایین بودن تسهیلات آبیاری نسبت داد چرا که تنها حدود ۱۹٪ از اراضی زیر کشت غلات آبیاری می‌شوند و این رقم برای سایر محصولات زراعی ۱۲٪ درصد می‌باشد و این در حالی است که این نسبت در کل کشور به ترتیب ۲۶٪ و ۲۷٪

مجتمع‌های صنعتی تعاونی تلفیقی مدرن یکی از وجوه قابل توجه توسعه اقتصادی روستایی - در هند - است که بر محور کشاورزی در مناطق روستایی بروز و ظهور یافته‌اند. امروزه واحدهای تعاونی صنایع تبدیلی در زمینه‌های گوناگونی مانند: نیشکر، پنبه شیر و دانه‌های روغنی در روستاها فعالیت می‌کنند.

حدود سی سال پیش هیچ نوع فعالیت صنعتی با این ماهیت و اندازه در کشور - (هند) - وجود نداشت. تعاونی‌های بزرگ تلفیقی به نوبه خود موجبات رفاه و نوگرایی و برقراری ارتباط مناطق دور افتاده با جهان خارج را میسر ساختند و هزاران فرصت شغلی را به طور مستقیم و غیر مستقیم در واحدهای گوناگون نظیر برداشت و حمل و نقل محصولات کشاورزی، ساختمان سازی و جاده سازی و مرمت و نگاهداری کارگاههای فنی فراهم نمودند و همچنین اشتغال در زمینه‌های خدماتی نظیر بانکداری و عمده فروشی و خرده فروشی و انبارداری و سایر موارد را موجب شدند.

این تعاونی‌ها در واقع موجبات تغییر و تحول را در نوع و روش زندگی مردم به خصوص آنهایی که دارای زمینهای زراعتی بوده‌اند فراهم نمودند و به گونه‌ای

تعاونی صنایع تبدیلی پاسخ مثبت دادند و بدین صورت اولین تعاونی صنایع تعاونی شروع به کار کرد.

علیرغم اینکه تعاونی نیشکر در روستای کوچک پراواراناگار اندازه کوچکی داشت ولی کارآیی خود را توانست نشان دهد و این مسئله در هنگامی بود که تعاونی، نیشکر تولید شده روستاها را به قیمت بالاتری می‌خرید و برای نیشکر تضمین قیمت به وجود آورد. از این حیث کشاورزان دیگر مجبور نبودند که نیشکر خود را از ترس این که قیمت پایین نیاید بسوزانند و یا این که آن را در اختیار افرادی که دارای وسایل تبدیل شکر بودند قرار دهند و شکر تولید شده را به قیمت ارزان در اختیار دلان قرار دهند. نیشکرکاران و کشاورزان کوچک برای اولین بار احساس نمودند که تعاونی یک حفاظ ایمنی برای فقرا به وجود آورده است. موفقیت بدست آمده از این تعاونی و نیز حمایت و تشویق به موقع دولت ایالتی و نیز مساعدت مؤسسات مالی تعاونی منجر به این شد که حدود ۵۰۰۰ واحد تعاونی صنایع تبدیلی که ۱۲۰ واحد آن در اندازه‌های بسیار بزرگی بود در زمینه‌های مختلف به خصوص در زمینه‌های مربوط به نیشکر، پنبه پاک کنی و ریسندگی، لبنیات، روغن کشی، کنسرو و میوه و سبزیجات و سایر محصولات، با بیش از یک میلیون عضو که غالباً از کشاورزان کوچک بودند، به وجود آیند.

اثر بر اقتصاد روستا

بدون شک بسیاری از این تعاونیها رفاه اجتماعی را در میان مردم روستا به ویژه برای کشاورزان بزرگتر به وجود آورده است و چشم انداز جدیدی از بنگاههای اقتصادی برای آنان ترسیم کرده است. این



شده به راحتی سرمایه گذاری نماید و همه اینها نیز بخاطر ایجاد همین تعاونیهای قابل اعتماد و حساس است.

بسیاری از این تعاونیها علاوه بر اینکه خدمات وسیع مشاوره‌ای را برای مصرف نهاده‌ها و نیز آموزشهای لازم را در ارتباط با مسائل قبل و بعد از کاشت محصول زراعی برای کشاورزان به عمل آورده‌اند، با ایجاد مراکز خدمات فنی و نیز توزیع بذر اصلاح شده حاصل از مزارع، کشاورزان را مورد حمایت قرار می‌دهند، ضمن آن که در ایجاد کارهای زیر بنایی نظیر ایجاد تأسیسات آبیاری و خدمات حمل و نقل اقدامات مؤثری را به انجام می‌رسانند. در واقع بسیاری از تعاونیها کمک‌های لازم را برای ایجاد تعاونیهای آبیاری به وجود آورده‌اند که این نوع تعاونیها در زمینه ساختن سدها و کانالهای آبیاری و

تعاونیها موجباتی را فراهم نموده‌اند تا روابط اقتصادی واقعی‌تر شده و از این طریق درآمد بیشتری را برای کشاورزان تضمین کند و باعث شوند که دیدگاههای نوین کشاورزی در میان کشاورزان به وجود آید و از این طریق نیز مراحل ریسک قبل و بعد از برداشت به حداقل برسد. بدین ترتیب برای اولین بار کشاورزان به یک بازار قابل اعتماد که در آن قیمت عادلانه و تضمین شده بود دسترسی یافتند و بدین گونه این تعاونیها عملیات مربوط به ارزش افزوده را بر درآمد کشاورزان از این طریق نیز افزودند. در حال حاضر حتی یک کشاورز کوچک نیز می‌تواند در زمینه‌هایی مانند به کارگیری از سیستم آبیاری مدرن و استفاده از بذراصلاح شده و کود شیمیایی و نیز با نمونه‌های محصولات زراعی و حتی گاوهای دورکه با نژاد اصلاح

آبرسانی به مزارع اقدامات مؤثر خود را به عمل می‌آورند تا آب مورد نیاز به کشاورز برسد. باید در نظر داشت که در گذشته کشاورزان به ندرت می‌توانستند از مواهب آبیاری برخوردار شوند ولی اینک تعاونیها با داشتن گروههای ورزیده و کارشناسان آبیاری بستر لازم برای تبدیل کشاورزی سنتی به کشاورزی نوین و مدرن را فراهم می‌سازند و چنین تحولی به فراوانی به چشم می‌خورد. از این رو تولید و نیز بهره‌وری افزایش یافته و در بعضی موارد تا پنج برابر هم افزایش یافته است. در واقع این امر یکی از موفقیت‌های بزرگ این تعاونیها است و خلاصه آن که تعاونیها توانسته‌اند زندگی جدید سیاسی و اجتماعی را برای روستائیان فراهم نمایند.

به این موضوع نیز باید توجه داشت که به دلیل تجاربی که افراد از کار در این تعاونیها به دست آورده‌اند نسل جدیدی از رهبری ظاهر شده است که تقریباً اهرم قدرتهای سیاسی در ایالت به دست این نیروهای جدید است و می‌توان گفت که هیچ سیاستمداری نمی‌تواند از آینده خودش مطمئن شود مگر این که او به طور جدی در این تعاونیهای بزرگ ریشه داشته باشد.

اما اثر چنین تعاونیهایی به آن گونه که برای کشاورزان بزرگتر موهبت داشته است برای کشاورزان کوچک و کم زمین مشهود نیست و این نیز به آن دلیل است که کشاورزان کوچک دارای قطعات کوچکتری زمین می‌باشند و همین امر موجب می‌شود که آنان نتوانند همه اراضی کوچک خود را به نیشکر اختصاص دهند و لذا از دسترسی به منافع محصول از طریق تعاونی بهره‌مند شوند، اما علی‌رغم آن این دسته از کشاورزان کوچک، نیز به طور غیر مستقیم از تعاونیهای صنایع تبدیلی بهره‌مند

می‌شوند. به عنوان مثال این تعاونیها توانسته‌اند فرصتهای شغلی فراوانی را برای اشتغال به کار کشاورزان کم زمین و بی زمین در تعاونیها فراهم نمایند، از این گذشته تعاونیها توانسته‌اند تولید و بهره‌وری را در اراضی کوچک همین کشاورزان با به کار بستن روشهای کشاورزی نوین افزایش دهند و از این طریق بر درآمد آنها نیز افزوده‌اند. بعضی از این تعاونیها با ایجاد مراکز آموزش و مؤسسات آموزش عالی و نیز ایجاد مراکز بهداشتی و آب آشامیدنی سالم و نیز اجزای پروژه‌های آبیاری موجباتی را فراهم آورده‌اند که کل جامعه از منافع اینگونه مراکز بهره‌مند شده‌اند و برای اولین بار فرزندان کشاورزان کوچک و بی زمین موفق شده‌اند که در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای مدرن و تقریباً بدون هزینه به تحصیل اشتغال یابند و به شکرانه وجود همین تعاونیهای صنعتی این افراد می‌توانند بعد از فراغت از تحصیل وارد بازار کار شوند و بدین طریق بر درآمد خود و خانواده خود بیفزایند.

چرا که این تعاونیها توانسته‌اند کارآمدی خود را در ارتقاء و حفاظت از منابع کشاورزان کوچکتر نیز نشان داده و تولید و بهره‌وری را افزایش دهند همچنین قیمت بالاتری را برای محصولات آنان فراهم نمایند و بدین ترتیب این تعاونیها موجبات تحول اجتماعی و اقتصادی آنان را نیز فراهم نموده‌اند و از این حیث کاملاً بی‌نظیر می‌باشند.

دلایل موفقیت

سه مجموعه از عوامل را می‌توان در توسعه سریع این تعاونیها ذکر نمود:

۱- اقدام جسارت‌آمیز توأم با موفقیت از

تشکیل تعاونی شکر در روستای کوچک پرواراناکار که به عنوان یک سیستم فنی اقتصادی توان ایجاد تحول در زندگی مردم روستا را داشت و کارآمدی خود را در این زمینه به خوبی نشان داد و موجب شد که دیدگاه و نظر مثبت کشاورزان و رهبران سیاسی و متفکرین اجتماعی و بسیاری دیگر از افراد را از این تلاش پیشگامانه جلب نماید و پیرو آن موجب شد که در سایر مناطق چنین تعاونیهایی به وجود آیند.

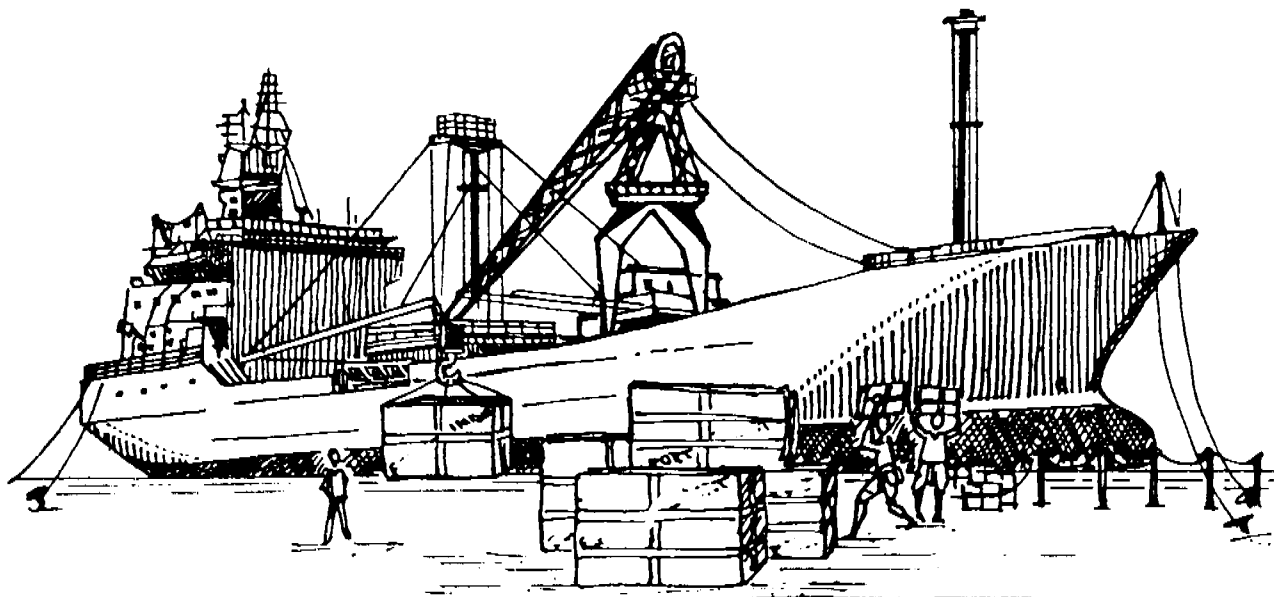
۲- شرایط مناسب آب و هوایی (که مناسب برای کشت نیشکر و پنبه می‌باشد) و همچنین سیاستهای حمایتی از ایجاد این قبیل تعاونیها و کمکهای بیدریغ دولت به ویژه کمک ارزشمند بانک تعاونی کشور و بنگاه تأمین مالی صنعتی هندوستان که تمام این عوامل دست به دست هم دادند تا موجبات توسعه این تعاونیها را فراهم آورند.

۳- جوامع روستایی به ویژه کشاورزان بزرگتر از طریق رشد و توسعه این نوع تعاونیها توانستند در مقابل افراد صاحب نفوذ شهری که از یک تسلط دیرینه بر گروههای مختلف اجتماعی و کاستها برخوردار بودند از حقوق خود و آنها دفاع نمایند.

ضمناً تأکید رهبران این تعاونیها در گسترده شدن توسعه اجتماعی و اقتصادی بهترین عاملی بود که در این زمینه از اهمیت فراوانی برخوردار است و بی‌جهت نیست که این تعاونیها با هوشمندی خاصی توانستند شالوده محور سیاسی در ایالت را ارتقاء دهند.

روش کار

معمولاً این نوع تعاونی به دلیل پاسخگویی به نیاز کشاورزان در منطقه و سازگاری با منابعی که در دسترس



لذا با این اقدام یعنی ترکیب کردن تکنولوژی سرمایه‌بر و بهبود عملیات زراعی توسط زارعین عملاً موجباتی فراهم می‌شود که درآمد زارعین تا چندین برابر افزایش می‌یابد و به همین دلیل است که وقتی تعاونی بخشی از درآمدهای خود را به عنوان سپرده‌های غیر قابل برگشت ذخیره می‌کند و آن را برای رشد و توسعه اجتماع و جامعه و یا خدمات ترویجی هزینه می‌کند تمامی کشاورزان بدون هیچ اکراهی این نوع خدمات را تقویت و پشتیبانی کنند.

داستان یک موفقیت

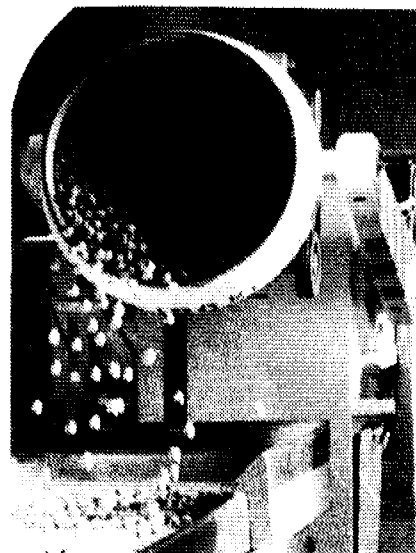
یکی از نمونه‌های موفق تعاونی‌های تبدیلی را می‌توان در روستای کوچک واراناناکار در کل هاپور ناحیه ماهاراشترا مشاهده نمود.

جمعیت در این روستا در سال ۱۹۵۰ بالغ بر سه هزار می‌شد که شغل اصلی آنها کشاورزی بود و عمدتاً به کشت نیسکر و برنج اشتغال داشتند. بخشی از اراضی این روستا که در امتداد ساحلی رودخانه وارنا در غرب ماهاراشترا قرار دارد لم یزرع رها شده بود و آن قسمت دیگر از اراضی روستا که کشت می‌شد علی‌رغم شرایط آب و هوایی مناسب برای کشت نیسکر از

واحد صنعتی و خرید ماشین آلات و تجهیزات و اقدامات لازم به عمل می‌آوردند. در این تعاونیها ابتدا سهم آورده اعضاء به عنوان سهم سرمایه معادل سهم اسمی ثبت شده است که معمولاً نیز ناچیز می‌باشد ولی به تدریج که درآمد آنان شروع به افزایش نمود درآمدهای اضافی نسبت به سهم هر یک به عنوان سپرده‌های غیر قابل برگشت ذخیره می‌شود و از محل این سپرده‌ها نسبت به بازپرداخت وام‌ها و سهم آورده دولت و نیز سایر مؤسسات تأمین کننده اعتبارات مالی به صورت طویل المدت بازپرداخت می‌شود تا جایی که این تعاونیها معمولاً بعد از ۵ تا ۷ سال به خود اتکایی می‌رسند و پس از آن تعاونی در تلاش برای بهتر کردن سطح زندگی جامعه گام بر می‌دارد.

به طور کلی موفقیت و کارآمدی اقتصادی مطلوب در این تعاونیها بستگی به انتخاب و نوع فن آوری دارد که در صورت سرمایه بر بودن به گونه‌ای هم باشند که از یک طرف فعالیت‌های کشاورزان و اعضاء را تقویت نموده و از طرف دیگر محصول تولید شده با توجه به سلیقه و گرایش بازار مصرف دارای ارزش افزوده برای مصرف کننده نیز باشد.

می‌باشند به وجود می‌آید و سازمان داده می‌شود. اصولاً روش کار نیز به این صورت است که ابتدا یک یا چند نفر از رهبران روحانی پیشقدم می‌شوند و به جمع آوری حداقل سرمایه اقدام می‌نمایند و سپس دولت ایالتی و بانک تعاونی کشور و نیز بنگاه توسعه تعاونی و سایر سازمانهای تأمین کننده منابع به صورت طویل المدت مطالعات لازم را برای تأسیس تعاونی صنایع تبدیلی انجام می‌دهند و مجوزهای لازم، شرایط کار و سرمایه طویل المدت را فراهم می‌نمایند و همچنین اتحادیه‌های تعاونی ملی نیز خدمات مشاوره‌ای و مدیریتی را برای راه اندازی



بازدهی کمی برخوردار بود و کشاورزان نیشکر کار از این محصول درآمدی مطابق حاصل کارشان به دست نمی‌آوردند.

کشاورزان این روستا وقتی نیشکر را برداشت می‌کردند آن را به افرادی که وسایل استخراج شکر از نیشکر داشتند تحویل می‌دادند و سپس شکر زرد حاصله را برای فروش به دلان به اندک بهایی می‌فروختند.

در دهه ۱۹۵۰ کشاورزان علی‌رغم اینکه از کشت و کار نیشکر درآمد مناسبی به دست نمی‌آوردند ولی مجبور بودند که به خاطر کاهش هزینه خود برخی از نیشکرها را نیز بسوزانند، در این سال اولین شرکت تعاونی صنایع تبدیلی نیشکر در روستای پراواراناکار تأسیس شده بود و عملکرد تعاونی مزبور حکایت از آن می‌کرد که پس از تشکیل آن دیگر کشاورزان مجبور نبودند که برای استخراج شکر زرد از نیشکر آن را به افراد تبدیل‌کننده تحویل دهند و یا شکر زرد خود را به بهایی ارزان به دلان بفروشند و یا بعضاً که عرضه نیشکر زیاد می‌شد آن را بسوزانند تا این که قیمت شکر بیش از آنچه بود پایین نیاید، بنابراین کشاورزان مستقیماً تمامی نیشکرهای خود را به تعاونی تحویل می‌دادند و در ضمن از قیمت عادلانه‌ای نیز برخوردار می‌شدند و حتی در سالی که عرضه نیشکر بیش از اندازه بود تعاونی تمام آنها را تحویل می‌گرفت و از این روی رضایت کشاورزان جلب می‌شد و رغبت بیشتری به تولید بیشتر و تحویل آن به تعاونی نشان می‌دادند.

آقای تاتی اصحاب کر فرزند یکی از کشاورزان همراه یک نفر دیگر از تجار شکر در روستای واراناناکار با الهام از موفقیت تعاونی نیشکر در صدد برآمدند تا

کشاورزان تولیدکننده نیشکر را حول محور یک سازمان تعاونی در منطقه خود شبیه به آنچه که در روستای پراواراناکار بود بسیج نماید. پس از کوششهای فراوان و تلاشهای خستگی‌ناپذیر و فائق آمدن بر مشکلاتی که در سر راه وجود داشت نه تنها وی موفق شد که تعدادی از کشاورزان آشنای خود را در این رابطه بسیج نماید بلکه توانست حمایت کشاورزان زیادی را به دست آورد و به اندازه کافی نیز پول برای اینکه دولت مجوز تأسیس تعاونی شکر واراناناکار (WSC) را صادر نماید جمع آوری نمود و لذا در سال ۱۹۵۷ این تعاونی با مساعی فراوان این فرد و کشاورزان محلی تأسیس شد.

از آنجایی که این تعاونی توانست درآمد حاصله از کشت و کار نیشکر را تضمین نماید و کشاورزان به تأثیرگذاری تعاونی پی بردند لذا به زودی در صدد برآمدند که اراضی ساحلی مشرف به رودخانه را که همچنان لم یزرع باقی مانده بود زیر کشت نیشکر ببرند و بدین ترتیب نسبت به اصلاح و احیاء آن پرداختند و حتی تپه‌های موجود را نیز تسطیح کردند و به کار کشت نیشکر پرداختند. از طرف دیگر تعاونی با تجهیز یک تیم فنی نسبت به به کارگیری قلمه‌های اصلاح شده نیشکر و آزمایشات خاکشناسی و تأمین به موقع کود شیمیایی پرداخت و با استفاده از کارشناسان آبیاری توانست نحوه صحیح آبیاری و همچنین به حداکثر رساندن شکر در نیشکر کشاورزان را یاری دهد و از این رو میزان بازدهی نیشکر و نیز راندمان شکر در هکتار افزایش یافت. در همین جهت در سال ۱۹۷۰ تعاونی با هزینه خود نسبت به احداث جاده‌ای به طول ۱۲۰ کیلومتر برای حمل و نقل نیشکر به کارخانه پرداخت و در

همین سال دولت نیز در صدد برآمد که نسبت به احداث یک سد بر روی رودخانه وارنا برای ۸۰۰ هکتار زمینی که جدیداً به زیر کشت نیشکر رفته بود اقدام نماید لیکن از آنجایی که بودجه کافی در اختیار نداشت لذا با همکاری تعاونی نسبت به ایجاد این سد پرداخت و دولت نیز در عوض تقبل نمود که مازاد هزینه انجام شده را که توسط تعاونی پرداخت شده بود تدریجاً به آن بازگرداند.

همانگونه که گفته شد تعاونی به منظور تسهیل در حمل و نقل نیشکر جاده‌ای به طول ۱۲۰ کیلومتر به هزینه خود احداث نمود و نگاهداری آن را نیز به عهده گرفت که البته این جاده علاوه بر تسهیلاتی که برای نیشکرکاران عضو فراهم نمود موجبات بهره‌مندی از جاده را برای افراد خارج از منطقه مهیا ساخت. علاوه بر اینها تعاونی به علت ضرورتی که در امر آموزش احساس می‌نمود توانست برای دانش‌آموزان منطقه یک مجتمع آموزشی را در مقاطع ابتدایی و دبیرستان و دانشکده مهندسی و بازرگانی به صورت یک تعاونی ایجاد نماید که در این مجتمع امکان استفاده از ساختمانهای شبانه روزی نیز برای دانش‌آموزان فراهم شد از این رو دانش‌آموزان و دانشجویان با هزینه‌ای معین به کار تحصیل پرداختند.

صنایع جانبی

تعاونی WSC مجتمع عظیم تعاونی لبنیات را نیز تأسیس کرده‌است که این مجتمع کشاورزان و به خصوص کشاورزان کوچک را تشویق می‌نماید که به فعالیتهای جنبی نظیر دامپروری بپردازند. این مجتمع شیر تولیدی اعضا را جمع آوری و پس از پاستوریزه کردن به فروشگاههای ایالتی متعلق به خود تعاونی

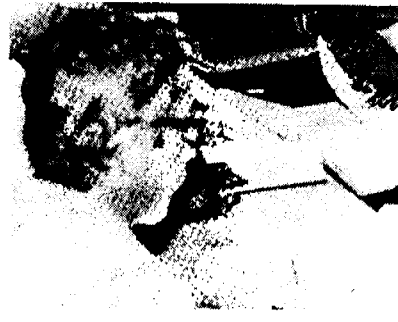
ارائه می‌نماید. علاوه بر پاستوریزه کردن شیر در این مجتمع کرده و غذای کودک نیز تولید می‌شود و از این رو بر درآمد کشاورزان می‌افزاید. علاوه بر اینها تعاونی WSC زنجیره تعاونیهای مرغداری و بازاریابی محصولات آن را نیز ایجاد نموده است.

اشتغال

مجتمع تعاونی WSC تاکنون بالغ بر ۲۰۰۰ اشتغال مستقیم و در حدود ۲۵۰۰ فرصت شغلی غیر مستقیم را به ویژه در ایام برداشت نیشکر فراهم آورده و همچنین خدماتی نظیر بانکداری، کارگاههای تعمیراتی و عمده فروشی و خرده فروشی را عرضه کرده است. ایجاد روحیه خود اتکایی یکی از اشکال برجسته تعاونی WSC می‌باشد به طوری که کلیه اقدامات توسعه‌ای این مجتمع نظیر توسعه ظرفیت آسیابهای نیشکر از ۱۵۰۰ تن در روز به ۴۰۰۰ تن در روز و نیز ساخت کلیه ابزار و لوازم سایر تعاونیهایی که توسط مجتمع ایجاد شده‌اند و نیز ساختمان سازی و سایر موارد تا حد ممکن توسط نیروها و منابع محلی ساخته شده‌اند و هیچ نوع وابستگی به خارج از خود ندارند.

بدیهی است که در پشت چنین عظمتی از مهندسی اجتماعی دیدگاه آقای تاتی اصاحب کر به طور مشهودی نمایان است و در همین رابطه ما با ایشان در رابطه با بینش ایشان و طرحهای آینده ایشان مذاکره نمودیم و ایشان چنین گفتند:

«ما به جامعه‌ای می‌اندیشیم که در آن هر خانوار حداقل ۱۰۰۰ روپیه در ماه درآمد داشته باشد و ضمن آن از خدمات کامل بهداشتی، اجتماعی و آموزشی که توسط همین جامعه ایجاد می‌شود بهره‌مند شوند. برآورده ساختن نیاز مشترک انسان در



کانون تلاشهای ما قرار داشته و هدف اساسی ما را تشکیل می‌دهد.»

علی رغم اینکه تمام تعاونیهای صنایع تبدیلی از موقعیت خوبی برخوردار هستند و با اذعان به اینکه این تعاونیها از مدیریت سخت کوش و متعهدی برخوردارند ولی جدای از این موارد بعضی از این تعاونیها به علت وجود رقبای سیاسی و داشتن سیستم مدیریت ضعیف بعضاً غیر اجرایی از اختلاف مزمنی رنج می‌برند. در میان مردم احساس وسیعی وجود دارد که معتقدند تعداد کمی از این تعاونیها در تسلط افراد ثروتمند و اشخاص ذی نفوذ که خواستار ادامه وضع موجود می‌باشند - هستند و لذا کشاورزان کوچک و کارگران کشاورزی و بقیه افراد جامعه به همین نحوی که هستند باقی می‌مانند و همچنان در وراء رنجی که از منافع توسعه عاید آنها می‌شود به سر می‌برند.

بدیهی است بخشی از نابسانانیا به خاطر توسعه صنعتی سریعی است که در جوامع سنتی به وجود می‌آید و بخشی نیز به دلیل مدلی از توسعه است که هندوستان آن را برگزیده است. اما به هر حال WSC نشان داده است که هر اقدامی می‌تواند میسر باشد حتی اگر در شرایط موجود باشد.

دلایل موفقیت

مطالعات مختلفی برای یافتن دلایل موفقیت یک تعاونی تلفیقی عمل آوری

محصولات کشاورزی نظیر WSC صورت پذیرفته است. مطالعات نشان داده است که یکی از بزرگترین دلایل موفقیت این نوع تعاونیها به خاطر حضور رهبری کاریز ماتیک می‌باشد که سکان ابتکار عمل و مدیریت و عملیات تعاونی را در دست داشته و آن را از خطرات مصون نگاه می‌دارد و سرانجام به ثبات می‌رساند. از دلایل دیگر می‌توان به انتخاب صحیح تکنولوژی مؤثر اشاره کرد، تعاونیها غالباً برتری آنان در سیستم‌های رقابتی به اثبات رسیده باشد ولی این را باید دانست که صرفاً کاربرد تکنولوژی کافی نیست و چه بسا تعاونیهایی به خاطر ضعف مدیریت و ناکارآمدی حتی مواقعی که از تکنولوژی مناسب استفاده می‌کنند با مشکلاتی مواجه می‌شوند.

از دلایل دیگر موفقیت تعاونیها می‌توان توانایی تعاونی را اولاً در کمک رساندن به کشاورز برای افزایش بهره وری و تولید و ثانیاً جمع آوری و عمل آوری محصول و ثالثاً بازاریابی آن دانست که هر سه این موضوع باعث می‌شود تا قیمت بالاتری نصیب کشاورز شود.

در خاتمه، موفقیت تعاونیها را باید در بسط و حساسیت خوب آن نسبت به برآورده ساختن نیازها و خواسته‌های جمعی اعضاء دانست که دسترسی به این امر با دخالت دادن کشاورزان در سیاست گذاری و تصمیم سازی در فرآیندهای مختلف تعاونی امکان‌پذیر است. نظارت دموکراتیک اعضاء نیز در کسب موفقیت بسیار مثبت می‌باشد.

موارد فوق از جمله دلایلی هستند که به موفقیت تعاونیهای تلفیقی و نقش آنان در توسعه روستایی می‌انجامد.